

## یادداشت

اعتراف گیری های زیر شکنجه درد بی درمان رژیم را درمان نخواهد کرد!

صادق کار



اعتراف گیری های بیش‌زمانه و ساختگی با زور شکنجه های جسمی و روانی از فعالین سیاسی و مدنی در ایران موضوع تازه‌ای نیست ده‌ها سال است که در ایران ادامه دارد و هر از چند گاهی یک یا عده‌ای از فعالین سیاسی و مدنی را پس از شکنجه های وحشیانه ضد انسانی جلوی دوربین فیلمبرداری می نشانند تا به اعمال ناکرده اعتراف و چیزهایی که خواست دستگاه های جنایتکار امنیتی و شکنجه گران است و به آنها دیکته شده را تکرار کنند.

هدف از این اعتراف گیری ها چیزی غیر از توجیه دیکتاتوری و اختناق و توجیه سرکوب مردم و نمایش قدرت نیست. مدتی بعد هر شوی امنیتی عده‌ای از قربانیان این جنایات که جان سالم به در برده‌اند با انجام مصاحبه و نوشتن خاطرات همه حرفها و اتهاماتی را که به زور شکنجه مجبور به اقرار آن شده‌اند تکذیب می کنند. فیلم لو رفته و منتشر شده از همسر سعید امامی آنجا که بازجو از قربانی نگون بخت می خواهد به جاسوسی برای اسرائیل اعتراف کند و وقتی که زن میگوید من در عمرم به اسرائیل نرفته‌ام و بازجو به او می گوید ما ترا به آنجا می فرسیم واقعیت پس پرده چنین شوهایی را بر ملا می کند. بالاخره به زور شلاق زن را در همان اتاق شکنجه به اسرائیل فرستادند و برگرداندن تا به جاسوسی برای اسرائیل اعتراف کند. جای دور نرویم شب گذشته مادر و دایی نیکا شاکرمی دختر ۱۷ ساله را که به طرز وحشیانه‌ای در زندان به قتل رسانده بودند با بی شرمی به کانال تلویزیون رژیم آوردند و وادارشان کردند بگویند نیکا در اثر سقوط از پشت بام کشته شده...مادر نیکا بلافاصله مصاحبه کرد و گفت اعتراف اجباری و به زور از او گرفته شده است.

صدها نمونه از این موارد را که در جمهوری اسلامی رخ داده می شود بر شمرد. دیر زمانی است که در اثر افشاگری های قربانیان شکنجه دیگر کسی به شوهای کثیف مشمزه کننده اعتراف گیری توسط جانیانی که مبتلا به سادیسیم انسان آزاری دچار شده‌اند باور ندارد و نمایش این شوها موجب نفرت و انزجار بیشتر مردم از شکنجه گران و حکومت می شود. تهیه کنندگان چنین شوهایی نیز خود بر تاثیر منفی آنها میان جامعه واقفند. با این وجود همچنان به این کار دور از اخلاق و شان انسانی ادامه می دهند و حاضر به دست برداشتن از این اعمال پلید



نیستند. علت اش هم این است که به بعد ترساندن این عمل توجه دارند و از آن به عنوان وسیله هراس افکنی توجه دارند.

دوسه ماه پیش و در اوج اعتراضات معلمان و کارگران شاغل و بازنشسته و شکست سیاست سرکوب و حمایت فزاینده افکار عمومی از اعتراضات مسالمت آمیز گروه‌های مزدبگیر، دستگاه‌های امنیتی سفر دو فعال سندیکایی فرانسوی به ایران و ملاقات علنی علنی آنها در یک رستوران را بهانه قرار دادند تا با نسبت دادن اعتراضات صنفی به بیگانگان به خیال خود سرکوب جنبش‌های کارگری و معلمان را توجیه نمایند. بهمین جهت عده‌ای از رهبران سندیکایی را به همراه دو فعال سندیکایی فرانسوی بازداشت و آنان را تحت شکنجه قرار دادند تا سناریویی را که اطلاعات سپاه نوشته بود بازی کنند.

هدف این بود که دو فعال سندیکایی فرانسوی را عامل خارجی برای ایجاد "اغتشاش و شورش" جا بزنند و با زور شکنجه رهبران سرشناس سندیکایی را عوامل راه اندازی اغتشاش‌های حال و گذشته! اما نتوانستند هیچ یک از آنها را وادار به اعتراف به اعمال ناکرده کنند.

دو فعال سندیکایی فرانسوی را وادار کردند مقابل دوربین بنشینند و برای خلاصی خود را جاسوس جا بزنند و بگویند برای ایجاد اغتشاش به ایران اعزام شده‌اند. روز گذشته خبرگزاری دولتی ایرنا مصاحبه زورکی سیسیل کوهلر و همسرش آقای ژاک پاریس را که هر دو عضو یکی از اتحادیه‌های معلمان فرانسه هستند منتشر کرد. در این ویدئو آنها مجبور شدند آنچه را شکنجه‌گران شان نوشته بودند، تأیید کنند! پس از پخش این مصاحبه اجباری رسول بدافی را برای محاکمه به بیدادگاه بردند تا با استناد به مصاحبه کذابی فوق‌الذکر وی را محاکمه کنند. عجیب اینکه اعتراضات مردم در هفته‌های اخیر و سال‌های قبل را به این زن و شوهر فرانسوی نسبت داده‌اند.

این اقدامات درست چند روز پس از سخنان خامنه‌ای که بیگانگان را عامل جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم خواند برای اثبات تأیید اتهام بی اساس وابستگی جنبش انقلابی مردم انجام گرفت. شکنجه‌گران ابله گویی از یاد برده‌اند که قبل از سفر دو فعال سندیکایی متهم شده به جاسوسی و از سال ۸۸ تا کنون سه جنبش و هزاران اعتصاب و اعتراض در این کشور رخ داده است. جنبش‌ها و اعتراضاتی که با یک من سیریش هم نمی‌شود آنها را به عوامل خارجی نسبت داد. داشتن رابطه و مراوده اتحادیه‌های کارگری با یکدیگر یک امر رایج، طبیعی و قانونی است و ربطی به جاسوسی و اتهامات مزخرفی که دستگاه‌های امنیتی رژیم ابداع کرده‌اند ندارد. سفر دو رهبر سندیکایی فرانسوی و ملاقات تعدادی از فعالین سندیکایی ایران با آنها نیز از این قاعده مستثنی نیست. بهمین جهت بازداشت و اعتراف‌گیری از آنها غیر قانونی است. از اینها گذشته سرویس‌های جاسوسی خارجی به قدر لازم در درون نهادهای امنیتی رژیم نیرو دارند و نیازی به فرستادن مامور برای "اغتشاش" در ایران ندارند. جنبش‌های پیاپی و اعتراضات بی‌شمار در ایران ریشه در مطالبات و حقوق لگد مال شده مردم دارند. اعتراف‌گیری‌های زیر شکنجه درد بی‌درمان رژیم را درمان نخواهد کرد. اما به نفع عمومی از رژیم در سراسر دامن سقوط خواهد زد و فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد را در سراسر کشور پرتین تر از گذشته خواهد کرد.

به همین سبب همه این اتهامات سخیف و محاکمه رهبران سرافراز جنبش سندیکایی نه تنها کوچکترین خللی در اراده مردم برای برکنار کردن رژیم جنایتکار فقهاتی بوجود نمی‌آورد بلکه عزم مردم را برای کنار زدن رژیم از قدرت استوارتر می‌سازد. جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم دیری نخواهد گذشت که با فتح زندانها همه مبارزان آزاده اسیر در زندانها رژیم را آزاد خواهد کرد و جنایتکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند. با حمایت از جنبش انقلابی این راه را کوتاهتر کنیم

**همه با هم علیه سرکوب جنبش سراسری متحدانه مبارزه کنیم!**

**از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!**

**در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!**

یا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟  
هیو استورجس



افزایش بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی هند

استخدام صدها هزار، یا شاید میلیونها کارگر به صورت آزاد، احتمالاً بسیار پرهزینه است. برآورد هزینه "تضمین اشتغال" در یک اقتصاد پیشرفته، حتی در میان طرفداران آن، که می توان انتظار داشت در مورد نحوه محاسبه هزینه ها اجماع داشته باشند، به شدت متفاوت است. برخی از این تفاوتها انعکاس میزان حداقل دستمزد نسبی و سطح بیکاری در کشورهای مختلف است. با این حال، برآوردها از هزینه "تضمین اشتغال" به عنوان کسری از تولید ناخالص داخلی غالباً در سطح پایینی قرار دارند. مینسکی هزینه استخدام 9 میلیون کارگر بالای 16 سال را در سه برنامه اشتغال عمومی 46 میلیارد دلار در سال 1983، یا 1/27 درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زد (به فصل 2 نگاه کنید)

## ثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان - ادامه

### هزینه

استخدام صدها هزار، یا شاید میلیونها کارگر به صورت آزاد، احتمالاً بسیار پرهزینه است. برآورد هزینه "تضمین اشتغال" در یک اقتصاد پیشرفته، حتی در میان طرفداران آن، که می توان انتظار داشت در مورد نحوه محاسبه هزینه ها اجماع داشته باشند، به شدت متفاوت است. برخی از این تفاوتها انعکاس میزان حداقل دستمزد نسبی و سطح بیکاری در



کشورهای مختلف است. با این حال، برآوردها از هزینه "تضمین اشتغال" به عنوان کسری از تولید ناخالص داخلی غالباً در سطح پایینی قرار دارند. مینسکی هزینه استخدام 9 میلیون کارگر بالای 16 سال را در سه برنامه اشتغال عمومی 46 میلیارد دلار در سال 1983، یا 1/27 درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زد (به فصل 2 نگاه کنید).

گوردون هزینه سالانه برای تضمین اشتغال را 79 میلیارد دلار برای ایالات متحده در سال 1997 - برابر 0/92 درصد تولید ناخالص داخلی - محاسبه کرد. او این مقدار را با ضرب تعداد کارگران بیکار در هزینه سالانه یک شغل با حداقل دستمزد، که در آن زمان 4/75 دلار در ساعت بود، محاسبه کرد. وراي نیز به همین روش، اما با استفاده از یک حداقل دستمزد بالاتر، مقدار 100 میلیارد دلار را محاسبه کرد. واتس و میتچل در سال 2001 برای استرالیا افزایش ناخالصی برابر 10/55 میلیارد دلار را در هزینه ها برآورد کردند، که معادل 2 درصد تولید ناخالص داخلی در آن زمان بود، که البته می توانست اثرات [مثبت] جبران کننده بر درآمد مالیاتی و فعالیت بخش خصوصی داشته باشد. کوک و همکاران اش در سال 2008 با مفروضات دقیقی در مورد طرح "تضمین اشتغال" و بررسی برنامه های تاریخی مشابه، مقدار ناخالص 17/6 میلیارد دلار را برای استرالیا (تقریباً 2/2 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2008) محاسبه کنند، که بایست با اخذ مالیاتهای بالاتر و هزینه های رفاهی کمتر به هزینه خالص 11 میلیارد دلار برسد. تنها چند سال بعد، در سال 2013، میتچل با استفاده از همان روش کوک اما با جزئیات بیشتر، از جمله با منظور کردن هزینه های اضافی همچون بازنشستگی و مرخصی استعلاجی، هزینه ناخالص 32/4 میلیارد دلار (معادل 2/1 درصد تولید ناخالص داخلی) و هزینه خالص 22 میلیارد دلار را محاسبه کرد. اقلام محاسبات پیشگفته و هزینه ها به عنوان کسری از تولید ناخالص داخلی در جدول زیر آمده اند.

حل کامل بیکاری	درصدی از تولید ناخالص داخلی	سایر اقلام هزینه
مینسکی 1986	1/27	نه
گوردون 1997	0/92	آری
وراي 1998	1/1	آری





2/0	آری	میتچل و ورای 2001
2/2	آری	کوک و همکاران 2008
2/1	آری	میتچل 2013

این درصدها نسبت به ظرفیت اقتصادی مربوطه به واقع ناچیز اند. اما چنان که نشان خواهیم داد در این برآوردها هزینه های برنامه "تضمین اشتغال" تماماً منظور نشده اند، از جمله سرمایه گذاری برای ایجاد شغل و هزینه های اداری یا کم یا صفر در نظر گرفته شده اند. طراحی تضمین اشتغال، چنان که بعداً ترسیم خواهد شد، فوق العاده پیچیده است. این طراحی، برای امریکا، شامل سه منبع متمایز قدرت - دولت فدرال، دولتهای محلی و "فوروم مشاوره میدانی" - و چهار لایه مدیریت در درون هر پروژه "تضمین اشتغال" است. این کیفیت پیچیده تخمین هزینه های اداری طرحها را دشوار می کند؛ البته قطعی است که این هزینه ها قابل توجه اند. به نظر می رسد که هیچ یک از طرفداران "تضمین اشتغال" تلاش جدی برای تخمین این هزینه ها به خرج نداده است. همچنین هزینه های سرمایه گذاری، مادام که مشاغل مورد نظر برای یک پروژه معین مشخص نشوند، ناشناخته باقی می ماند. به درستی گفته می شود پروژه هائی که بر معیارهای "تضمین اشتغال" منطبق باشد، قاعدتاً کاربر خواهد بود. نمونه هایی از مشاغلی که توسط طرفداران "تضمین اشتغال" ارائه می شوند، عموماً در بخش خدمات اند. کوک نمونه هایی را از کارهای عمومی، از جمله در کشورهای توسعه یافته، ارائه می کند که نسبت متوسط دستمزد به سایر هزینه ها در آنها حدوداً 30 به 70 است.

طرفداران "تضمین اشتغال" به طور کلی نسبت به امکان ایجاد سریع مشاغلی منطبق بر معیارهای پروژه های "تضمین اشتغال" بیش از حد سهل انگار اند (به فصل 4 مراجعه کنید)، اما می توان گفت که سهم سرمایه در این مشاغل ضرورتاً پایین است.

\* در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است:



"تضمین اشتغال" ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد؛ یک امکان همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.

دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.

"تضمین اشتغال" نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.

کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

**با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!**

**مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم**

**جنگ جناح ها بر سر تسلط بر وزارت کار ربطی به پابرهنگان" ندارد  
صادق**



انجام نزدیک به ۶ هزار اعتراض و اعتصاب کارگری و ۱۳ اعتصاب سراسری توسط معلمان در کشور مویده این واقعیت است. راه رهایی "پابرهنگان" از این وضعیت مصیبت بار که مجلس و دولت و حکومت بر پا برهنگان تحمیل کرده اند فقط از طریق سازماندهی و مبارزه کارگران و پیوستن به جنبش آزادیخواهانه جاری میسر است. کارگران و زحمتکشانشان با مشارکت در جنبش و طرح مطالبات خود می توانند سریعتر به خواسته هایی که دارند و رژیم تا کنون حاضر به اجابت آنها نشده است برسند. آزادی و عدالت از هم تفکیک نشدنی هستند و . یکی بدون دیگری پایدار نمی ماند

در خبرها آمده بود محمد هادی زاهدی که به عنوان وزیر کار از طرف رئیسی به مجلس معرفی شده بود از اکثریت لازم نمایندگان برخوردار نشد و مورد تأیید مجلس برای این سمت قرار نگرفت.

به نوشته رسانه ها کاندیدای رئیسی از ۲۷۲ رای افراد حاضر در مجلس ۱۳۶ رای آورد و با یک رای کمتر از نصف به اضافه یک موفق نشد بر صندلی صدارت وزارت تعاون، کار و رفاه بنشیند.

جنگ جناح ها بر سر تسلط بر وزارتخانه کار همیشه وجود داشته و رقابت های سنگینی بین آنها صورت گرفته است. در دولت و مجلس "یکدست" نه تنها رقابت جناح ها بر سر این وزارتخانه کاسته نشده بلکه تشدید شده است. وزیر کار پیشین در کمتر از یک سال در این پست مجبور به کناره گیری شد و نامزد بعدی نیز موفق به کسب آرای لازم نشد.

در واقع جناحی که نتوانسته بود وزیر کار پیشین را حفظ کند با رای ندادن به نامزد جناح رقیب شکست خود را تلافی کرد تا بلکه در دور بعدی مهره مطلوب خودش را بر راس



وزارتخانه بنشانند. اهمیت وزارتخانه کار و جنگ بر سر آن را می شود از زبان حسین نوروزی یکی از نمایندگان مخالف مهدی زاهدی وفا بهتر درک کرد

خبرگزاری ایلنا در گزارشی که بهمین مناسبت منتشر کرد در قسمتی از گزارش خود به نقل از حسین نوروزی نوشت

همکاران عزیز وزارت کار و رفاه امور اجتماعی یک وزارت خانه بزرگ است که ۴۰ درصد " . اقتصاد را در درست دارد، ۶۵ درصد از کشور تحت پوشش بیمه اجتماعی است و ۲۵ درصد از اقتصاد کشور در درون این وزارت خانه است" نوروزی سپس به ثروت ۲-۴ هزار میلیاردی وزیر اشاره کرد و گفت این وزارتخانه را برای پا برهنگان بگذارید! نامزد مردود شده نیز ثروت خود را میراث پدرش خواند و گفت او تنها امانتدار این ثروت است و نه صاحب آن

پا برهنگان البته همواره در جنگ قدرت جناح ها حکم مرعی را دارند که در عزا و عروسی سرشان را می برند و می خورند. از مجموع سخنان این آخوند حکومتی مرتجع پیداست که مخالفت وی به هیچ وجه ربطی به منافع "پا برهنگان" ندارد، چرا که وزیر پیشین کار نیز نماینده بازار و معرف منافع سرمایه داران بود و با رای امثال حسین نوروزی ها بر صندلی صدرات نشانده شده بود. نامزد مغلوب حتی امتیازاتی از لحاظ دیگر نسبت به وزیر کار قبلی داشت که خوشایند این آخوند مرتجع نبود. با این همه برای کارگران و یا بقول نوروزی "پا برهنگان" آنجا که مربوط به حقوق و منافع کارگر است فرقی بین وزیر معزول و وزیر مردود شده نیست. هر دو سرمایه دار و طرفدار سرمایه دار هستند. این مجلس و مجالس پیشین هرگز جز انتخاب وزاری ضد کارگر و تصویب قوانین ضد کارگری برای "پا برهنگان" نکرده و نخواهد کرد. این واقعیتی است که همه کارگران به آن واقف بوده و نتایج عملکرد مجلس و کل حکومت را با تمام وجود در زندگی شان تجربه کرده اند و می دانند که با تغییر وزیر و دولت و مجلس وضعشان هیچ گاه نه تنها بهتر نشده بلکه سال به سال بدتر شده است

انجام نزدیک به ۶ هزار اعتراض و اعتصاب کارگری و ۱۳ اعتصاب سراسری توسط معلمان در کشور مویید این واقعیت است. راه رهایی "پا برهنگان" از این وضعیت مصیبت بار که مجلس و دولت و حکومت بر پا برهنگان تحمیل کرده اند فقط از طریق سازماندهی و مبارزه کارگران و پیوستن به جنبش آزادیخواهانه جاری میسر است. کارگران و زحمتکشانشان با مشارکت در جنبش و طرح مطالبات خود می توانند سریعتر به خواسته هایی که دارند و رژیم تا کنون حاضر به اجابت آنها نشده است برسند. آزادی و عدالت از هم تفکیک نشدنی هستند و یکی بدون دیگری پایدار نمی ماند

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**مبارک باد همبستگی و اتحاد نیروهای شرکت کننده در جنبش سراسری!**





شروع همبستگی کارگران نفت و پتروشیمی با جنبش سراسری و آزادیخواهانه مردم ایران با اعتصاب در چندین واحد پتروشیمی و پالایشگاه آبادان



آخرین گزارش از اعتصاب ها

امروز سه شنبه نوزدهم مهر همکاران شاغل در شرکت پالایش نفت آبادان مقابل گیت ورودی پرسنل تجمع و اعتصاب خود را آغاز کردند.

از روز گذشته بخش هایی از همکاران که در فاز دو دست از کار کشیده بودند با مداخله نیروهای حراستی مواجه شدند که تلاش داشتند از شکل گیری اولیه اعتصاب جلوگیری کنند.

این آغاز راه است و ما همقدم و همراه با مردم سراسر کشور هر روز به اعتراضات خود ادامه خواهیم داد

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت



## حمایت و فراخوان سندیکای کارگران هفت تپه به اعتصاب حمایتی از جنبش آزادیخواهانه مردم



### طنین مرگ بردیکتاتور کارگران در عسلویه!

کارگران واحدهای پتروشیمی بوشهر، دماوند و هنگام واقع در عسلویه امروز ۱۸ مهر یکی پس از دیگری برای افزایش دستمزد و ۱۰ روز استراحت ماهانه نوبت کاری اعتصاب کردند. این اعتصاب در شرایطی آغاز شده است که جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم کشور ما وارد چهارمین هفته خود شده است و با گذشت هر روز عده بیشتری از گروه‌های اجتماعی مردمی به جنبش می‌پیوندند، حمایت گسترده و فزاینده مردم به جنبش امید به رهایی از شر رژیم استبدادی و عدالت ستیز و رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی را در این روزها صد چندان کرده است. از همین روی پیوستن کارگران و مزدگیران و بی‌چیزان به جنبش و وصل شدن کارخانه و اداره و مدرسه به دانشگاه سرنوشت ساز خواهد شد. تجربیات گذشته نشان می‌دهد که اعتصابات صرفاً صنفی و مطالباتی در رژیم استبدادی ره بجایی نمی‌برند. گواه آن وجود قریب ۶ هزار اعتصاب و اعتراض کارگری تنها در سال گذشته و صدها اعتصاب در نیم سال اخیر است. همچنین در ایران امروز هیچ طبقه و میان طبقه و گروه اجتماعی به تنهایی قادر به پیروزی بر استبداد نیست و هیچ گروهی با وجود رژیم استبدادی به مطالبات خود نخواهد رسید. از همین روی همراهی همه گروه‌های اجتماعی مردمی برای از میان برداشتن سد استبداد اهمیت حیاتی دارد. امروز کارگران سه واحد پتروشیمی با اعتصاب خود و تلفیق مطالبات صنفی با شعار مرگ بر دیکتاتور بلوغ سیاسی و



همبستگی خود با جنبش آزادیخواهانه مردم را نشان دادند و راه را برای سایر کارگران گشودند! حالا زمان آن است که اعتصاب و مطالبات آنها مورد پشتیبانی قرار بگیرد. پیوستن بقیه کارگران تا حد زیادی بستگی به حمایت جنبش از کارگران عسلیه دارد.



**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**[sabosob@gmail.com](mailto:sabosob@gmail.com)**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

**می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**